

پایه های لرزان احداث خطوط لوله رقیب انتقال گاز کاسپین به اروپا

آغاز اجرای عملیات ساخت پروژه خط لوله ۲۴۰۰ مایلی ترانس آناتولی (تاناپ) را که توافق نامه اجرای آن توسط رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه و الهام علی اف رییس جمهور آذربایجان در ۲۶ ژوئن ۲۰۱۲ میلادی (۶ تیرماه ۱۳۹۱)، به امضا رسید، می توان اولین دستاورد واقعی طرح ایجاد کریدور جنوبی انتقال گاز دریای کاسپین به منطقه یورو دانست که در کنار چند طرح دیگر، با حمایت اتحادیه اروپا و در جهت کاهش نفوذ روسیه در بازار تجارت گاز اروپا، اجرا خواهد شد.

تاکنون پروژه های خط لوله مختلفی برای انتقال گاز دریای کاسپین به اروپا در نظر گرفته است، که پروژه خط لوله ترانس آدریاتیک (تاپ)، نابوکو، ترانس آناتولی (تاناپ)، خط لوله جنوب شرق اروپا (اس ای ای پی) و اینترکانکتر ترکیه-یونان-ایتالیا (آی تی جی آی)، مهم ترین طرح های در دست مطالعه و طراحی محسوب می شوند.

گفته می شود با راه اندازی طرح تاناپ، ۷ میلیارد دلاری که نخستین بخش آن در سال ۲۰۱۸ میلادی راه اندازی می گردد، امکان صدور گاز میدان شاه دنیز آذربایجان که در ۷۰ کیلومتری باکو و در عمق ۷۰۰ متری آب های کاسپین قرار دارد (و در مراحل بعدی گاز میادین ترکمنستان) به موازات خط لوله نابوکو که کریدور میانی تامین گاز مورد نیاز مناطق مرکزی اروپا محسوب می شود و بدون مشارکت آذربایجان و ترکیه طراحی گردیده است، مهیا خواهد شد.

ظرفیت سالانه انتقال گاز این خط لوله هم اینک ۶ میلیارد متر مکعب است که در سه مرحله توسعه، این عدد تا سال ۲۰۲۶ میلادی در نهایت به ۳۱ میلیارد متر مکعب خواهد رسید.

این خط لوله که رقیب نابوکو محسوب می شود و روزنامه باکو از آن به عنوان ضربه سنگینی بر پیکر پروژه نابوکو یاد کرده است، با عبور از دریای آدریاتیک، گاز کاسپین را به کشور ایتالیا خواهد رساند.

در مقابل، خط لوله تاناپ که عملیات ساخت بخش غربی آن از مرز مشترک ترکیه و گرجستان آغاز می شود و تا مرز مشترک ترکیه و اتحادیه اروپا، امتداد خواهد یافت، در واقع جایگزین طرح پیشین نابوکو در خاک ترکیه خواهد شد. هدف نهایی این طرح تامین گاز مصرف کنندگان اروپایی از طریق گاز تولیدی از میدان شاه دنیز آذربایجان با یک تریلیون و ۲۰۰ میلیارد متر مکعب ذخیره گاز به عنوان میدان اصلی تامین کننده گاز این خط لوله است. پیش بینی می شود که این میدان تا ۲۱ سال آینده، توانایی تامین گاز اروپا را دارا باشد.

در مقابل، اگرچه بر اساس برنامه ریزی اولیه رهبران نابوکو برای استفاده از گاز آذربایجان، عراق، ترکمنستان و ایران به عنوان منابع تامین گاز خط لوله نابوکو

، برنامه ریزی شده بود اما چندی پیش یکی از مدیران اجرایی نابوکو اعلام کرد که گزینه ایران از فهرست تامین کنندگان گاز این طرح، حذف شده است. هرچند وی حاضر نشد در مورد دلایل این تغییر، توضیحی دهد.

به هر حال ،احداث خط لوله نابوکو روز به روز نامحتمل تر می شود. پس از بی میلی قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان نسبت به احداث این پروژه، ایران نیز دیگر علاقه خود را به پروژه ناباکو از دست داده و این موضوع سبب شده تا کارشناسان ، نابوکو را که نام خود را از یک اپرا و نمایش نامه معروف گرفته است، این بار نمایش نامه ای از لوله های خالی از گاز بخوانند.

تاکنون تعیین مسیر اجرای خط لوله ۵۶ اینچی تاناپ در خاک اروپا و همچنین ترکیب کنسرسیوم شرکای آن با افت و خیزها و تغییرات زیادی همراه بوده است. از روز ۲۶ ژوئن که قرارداد احداث این خط لوله بین ترکیه و آذربایجان امضا شد، بسیاری از کشورهای اروپایی به دنبال فعال نمودن دیپلماسی انرژی خود برای سهم خواهی از طرح تاناپ هستند. اما دولت آذربایجان تلاش زیادی نموده تا با وجود تمایل اتحادیه اروپا برای رهبری پروژه ، خود کنترل تاناپ را بر عهده گیرد.

کنسرسیوم احداث تاسیسات استخراج و تولید گاز طبیعی از میدان شاه دنیز شامل شرکت های بریتیش پترولیوم انگلستان (به عنوان مجری بهره برداری طرح) و استات اویل نروژ هرکدام با ۲۵.۵ درصدسهم و شرکت دولتی نفت آذربایجان (سوکار)، توتال فرانسه، لوک آجیپ (با مشارکت لوک اویل روسیه و انی آجیپ ایتالیا) و نفتیران اینترترید (از شرکت های زیرمجموعه شرکت ملی نفت ایران- نیکو) هرکدام با ۱۰ درصد سهم و در نهایت شرکت ترکیش پترولیوم با سهم ۹ درصدی، است. این ترکیب اعضا شباهت زیادی به شرکای خط لوله راه اندازی شده باکو- تفلیس- ارزوروم (جیحان) و یا خط لوله قفقاز جنوبی دارد که از خاک آذربایجان تا مرز گرجستان و ترکیه امتداد یافته است. همچنین براساس مفاد قرارداد ، شرکت ایرانی سهامدار طرح (نیکو) ، حق مشارکت در هیچ یک از طرح های دیگر صدور گاز به اروپا را ندارد.

بر اساس آمارهای موجود، جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۹ میلادی ، یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون متر مکعب گاز و در سال ۲۰۱۰ میلادی ، بیش از ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون متر مکعب گاز از میدان شاه دنیز استخراج کرده است و تولید روزانه این میدان بیش از ۱۸ میلیون متر مکعب برآورد می شود.

هم اکنون روزانه حدود شش میلیون متر مکعب گاز از این میدان گازی به ترکیه و ۲ میلیون متر مکعب گاز به گرجستان صادر می شود و باقیمانده آن از طریق خط لوله باکو - تفلیس - جیحان صادر خواهد شد.

گفتنی است که ۸۰ درصد منابع مالی ساخت طرح خط لوله تاناپ از سوی شرکت دولتی نفت آذربایجان و ۲۰ درصد باقیمانده توسط طرف های ترک (شامل شرکت دولتی خطوط انتقال بوتاس و ترکیش پترولیوم با سهم مساوی) تامین می شود. هدف اصلی آذربایجان از احداث این خط لوله ، پایان وابستگی باکو به روسیه و اوکراین برای صادرات گاز به دولت های اروپایی است.

البته باکو اعلام نموده که در نظر دارد بخشی از سهام خود در این طرح را به شرکت های خارجی فعال در توسعه طرح های گازی آذربایجان نظیر بریتیش پترولیوم ، توتال و ... واگذار کند. اما به نظر می رسد به دلایل مختلف ، دولت آذربایجان بخش اعظم سهام خود را همچنان حفظ کند تا حقوق اجرایی باکو در این پروژه حفظ گردد. چرا که در این میان، صندوق دولتی سرمایه گذاری صنعت نفت آذربایجان اعلام نموده که تمایل دارد تا به عنوان یکی از سرمایه گذاران به پروژه بپیوندد.

بریتیش پترولیوم، تمایل زیادی به مشارکت در این طرح و ترجیحا با کسب سهمی قابل توجه و یا حداقل تا حدی که بتواند در تصمیم گیری ها مشارکت کند، دارد. چرا که سهامداران فاقد درصد سهام بالا و حق رای موثر، عملا در تصمیمات کلیدی، فاقد تاثیر گذاری هستند.

بریتیش پترولیوم از گذشته علاقمند بود که از خطوط لوله در تملک دولت ترکیه برای صادرات محدود گاز تولیدی میدان شاه دنیز بهره برده شود، اما با مشارکت آذربایجان در پروژه تانپ و ساخت خط لوله ای جدید با امکان صادرات حجم قابل توجهی گاز طبیعی به اروپا، انگلیسی ها با تغییرات جدید همراه شدند.

الهام علی اف رییس جمهور آذربایجان معتقد است: "شرکت های زیادی از دیرباز در آذربایجان حضور داشته اند و تمایل دارند تا در اجرای پروژه تانپ به عنوان سهامدار همکاری داشته باشند، اما در نهایت تصمیم گیرنده اصلی، باکو خواهد بود."

کمی آنسوتر، پروژه نابوکو که سرنوشت آن به دلیل طراحی خطوط لوله رقیب، تیره تر از هر زمان دیگری شده است، از شش سهامدار با سهم یکسان تشکیل شده است که عبارتند از: OMV اتریش، RWE آلمان، FGSZ مجارستان، ترانس گاز رومانی، انرژی هولدینگ بلغارستان و بوباس ترکیه.

در این طرح از ابتدا عدم حضور یک شرکت با سابقه در صنعت تولید گاز به عنوان یک نقطه ضعف جدی به چشم می خورد. اما پس از تاخیر قابل توجه در آغاز طرح، سرانجام سهامداران موافقت خود را با مشارکت یک شرکت با سابقه گازی در نابوکو اعلام کردند. چرا که مدیران نابوکو با حضور چند شرکت فعال در توسعه میدان شاه دنیز در این طرح، موافقت کرده اند.

بریتیش پترولیوم نخستین شرکتی است که درخواست رسمی خود را برای حضور در کنسرسیوم نابوکو اعلام نموده است. این کنسرسیوم به شرکت دولتی نفت آذربایجان پیشنهاد داده تا در پروژه نابوکو غربی مشارکت نماید. رهبران پروژه نابوکو به باکو پیشنهاد نموده اند تا طرفین مذاکرات خود را برای اتصال طرح نابوکو غربی به تانپ آغاز نمایند. لذا این کنسرسیوم در حال آماده کردن خود برای تغییر ساختار و ترکیب اعضای خود است. با عملی شدن این اقدام، قدرت تصمیم گیری به نفع تامین کنندگان گازی که اخیرا وارد اعضای طرح اجرای خط لوله شده اند، تغییر می یابد. و بدین ترتیب با افزایش سهم آنان در تامین مالی، پروژه به بن بست رسید و نابوکو غربی، سرانجام راه برای آغاز عملی اجرای آن که به دلیل ناتوانی سهام داران در تامین سرمایه مورد نیاز با چالش روبرو گردیده، باز خواهد شد.

سهامداران خط لوله گازی نابوکو در حال مذاکره درباره دو مسیر هستند که عبارتند از: طرح اولیه خط لوله ای به طول ۳ هزار و ۹۰۰ کیلومتر که از مسیر ترکیه به سمت اتریش امتداد دارد و هزینه آن ۸ میلیارد یورو (۱۰ میلیارد دلار) برآورد شده است؛ خط لوله گازی موسوم به نابوکو غربی که از مرز ترکیه-بلغارستان آغاز می شود و به سمت اروپا امتداد خواهد شد.

خط لوله گازی نابوکو غربی قرار است ادامه خط لوله گازی قفقاز جنوبی باشد.

خط لوله ترنس آناتولین که هزینه اجرای آن ۵ تا ۷ میلیارد دلار برآورد شده است، گاز فاز دوم توسعه میدان شاه‌دینز آذربایجان را از مسیر ترکیه به اروپا صادر می‌کند.

بی تردید، ورود طرف‌های تولیدکننده به نابوکوگرایی، کنسرسیوم شاه‌دینز را ترغیب خواهد کرد که مسیر بلغارستان به وین همراه با اتصال به آلمان را برگزینند تا به عنوان رقیب خط لوله ترانس آذربایجان که راه ایتالیا را درپیش گرفته، عمل کند.

همچنین با اعلام خداحافظی رسمی سوییس با طرح‌های تولید برق هسته‌ای، نقش گاز در دیپلماسی انرژی اروپا، پررنگ‌تر از همیشه شده است. مثلاً کنسرسیوم ساخت خط لوله تاپ که شامل استات اوایل نروژ و الکتزینیتاسگسل شافت لافنبرگ سوئیس هرکدام با ۴۲.۵ درصدسهم و شرکت آلمانی ای.اوان روه‌رگس باسهمی ۱۵ درصدی است، برای تامین گاز این کشور در دست مطالعه قرار دارد.

در میان اعضای کنسرسیوم توسعه میدان شاه‌دینز، شرکت استات اوایل به عنوان یکی از تولیدکنندگان گاز میدان که تمایل زیادی به مشارکت در کنسرسیوم تاپ دارد، حضور خواهد داشت. در این شرایط، با انتخاب یکی از دو مسیر نابوکوگرایی و یا تاپ از سوی اعضای طرح برای مسیر صدور گاز به اروپا، استات اوایل با تضاد منافع روبرو می‌شود. اخیراً بی‌پی اعلام کرده که تمایل دارد تا در اجرای تاپ مشارکت کند. بدین ترتیب با عملی شدن پیشنهاد انگلیسی‌ها، این شرکت هم در دو پروژه رقیب و به دنبال آن در ریسک‌ها و هزینه‌های آن‌ها، مشارکت خواهد کرد.

می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده نه‌چندان دور، دو پروژه رقیب تاپ و تاناپ در مرز مشترک یونان و ترکیه به هم پیوندند و پیوند نابوکوگرایی با تاناپ در مرزهای ترکیه-بلغارستان منتفی شود. اقدامی که آرزوی دیرینه ترک‌ها برای تبدیل به مرکز ترانزیت انرژی به اروپا را محقق خواهد نمود. در این شرایط، بریتیش پترولیوم تلاش نموده تا از خط لوله بوتاس برای صدور گاز آذربایجان به اروپا بهره‌برداری تا نیازی به ساخت خط لوله جدیدی نظیر نابوکو و یا تاناپ نباشد. چرا که محاسبات مالی نشان می‌دهد انگلیسی‌ها دیگر به ساخت تاناپ تمایلی ندارند.

با نگاهی به مطرح شدن چندین طرح موازی برای صادرات گاز کاسپین به اروپا در یک دهه اخیر، تاثیر پذیری آنها از روابط لرزان سیاسی کشورهای حوزه کاسپین همراه با اختلاف نظرهای گسترده، سرنوشت همه این طرح‌ها را در حالی از ابهام قرار داده است. دولت آذربایجان نیز به دلیل تجارب تلخ وابستگی به اوکراین و روسیه، بیم آن دارد که ترکیه هم به اوکراین زیاده‌خواه دیگری در مسیر صدور گاز آنها، تبدیل شود.

از سوی دیگر، به دنبال اعلام اخیر واقف‌علی‌اف، رییس‌بخش سرمایه‌گذاری شرکت دولتی نفت آذربایجان (سوکار) در مصاحبه با شبکه بلومبرگ، مبنی بر کنار گذاشتن شرکت نیکوی ایران از شرکای توسعه میدان شاه‌دینز، آینده طرح‌های انتقال گاز با یک چالش جدید مواجه شده است.

اختلاف نظرهای کنونی میان آذربایجان و ترکمنستان بر سر تعیین خط مرزی مشترک و طرح دعوی حقوقی در دیوان داوری لاهه، مخالفت ایران و روسیه با مشارکت درازمدت طرف‌های غربی در طرح‌های توسعه منابع نفت و گاز کاسپین و عدم اجماع پنج کشور ساحلی این دریا برای تقسیم منابع کاسپین نیز به پیچیده‌تر شدن معادلات، منجر شده است.

«شورای آتلانتیک آمریکا» در مقاله‌ای به قلم «فرید عثمانف» می‌نویسد: پروژه‌های انتقال گازی که از میان دریای کاسپین می‌گذرند، منتظر حل مناقشات بر سر تعیین خط مرزی دریایی بین ترکمنستان و آذربایجان شده‌اند. در این میان ایران و روسیه، دو قدرت بزرگ دیگر نیز با این پروژه‌ها مخالفند و همه این مسائل، غرب را نگران کمبود انرژی در آینده کرده است.

وی معتقد است: پروژه‌های تولید منابع انرژی از این دریا، که روسیه را دور می‌زنند، تهدیدی مستقیم به اقتصاد روسیه و منافع ژئوپلیتیک این کشور محسوب می‌شوند. به دلیل تحریم‌هایی که غرب بر ایران تحمیل کرده است، این کشور تمایلی نیز به همکاری با غرب ندارد. بنابراین، مسکو و تهران تمام تلاش‌شان را برای ممانعت از بازدهی پروژه انرژی که مانع حضور آن‌ها شود، به کار خواهند بست. نوعی جنگ سرد و بی‌اعتمادی دوجانبه بر حوزه دریای خزر حاکم است که هرگونه پروژه تولید انرژی را محکوم به شکست می‌کند.

«فرید عثمانف» در ادامه پیشنهاد می‌کند که غرب باید بیشتر در مناسبات سیاسی و اقتصادی این منطقه مداخله کند، تا بتواند کفه دیگر ترازویی که یک‌طرفش روسیه و چین هستند را سنگین کند و توازن قدرت را برقرار سازد.

وی در ادامه یاد آور می‌شود: اجرای هرگونه پروژه قطعی انرژی تا وقتی که کشورهای ساحل دریای خزر نتوانند به توافق برسند با شکست روبرو خواهد شد. این کار برای غرب به اندازه کافی پیچیده است، ولی ارزش وقت گذاشتن را دارد، زیرا حل مناقشه حوزه کاسپین، سنگ بنای پروژه‌ها و ابتکارات آینده برای امنیت انرژی اروپا خواهد بود.

اما همچنان این سوال بدون پاسخ وجود دارد که با وجود چنین شرایط پرفراز و نشیبی، آیا پیوند زدن امنیت انرژی اروپا به منابع انرژی دریای ناآرام کاسپین، این منطقه را به کانون بحران دیگری در اوراسیا، تبدیل نخواهد کرد؟ پرسشی که برای پاسخ دادن به آن، باید همچنان به انتظار نشست.

نویسنده: ولادیمیر سوکور

مترجم: محسن داوری

منبع: ASIA TIMES (www.atimes.com)